

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

م. چلنگریان  
۰۶ جون ۲۰۱۶

## فرزندان سلیمان میرزا - ۲

نگاهی به تاریخ حزب توده ایران و رابطه آن با جنبش‌های اجتماعی

جلد اول: از تأسیس تا بهمن ۱۳۲۷

و

حزب توده و جنبش کارگری ایران

فصل اول

تاریخچه: از تأسیس تا ترور محمدرضا شاه

(مهر [میزان] ۱۳۲۰ - بهمن [دلو] ۱۳۲۷ خ.)

تأسیس حزب توده و خاستگاه طبقاتی آن:

حزب توده ایران (که از این به بعد با عنوان اختصاری حزب از آن یاد خواهیم کرد) را می‌توان فرزند واقعه سوم شهریور [سنبله] ۱۳۲۰ خ. دانست. زیرا با حمله متفقین به ایران و استعفای رضاشاه پهلوی این حزب و ده‌ها سازمان سیاسی دیگر تأسیس و فعال گردیدند. سقوط رضاشاه باعث شد تا فضای نیمه دموکراتیک در کشور به وجود آمده و جنبش‌های اجتماعی (جنبش کارگری - دهقانی-زنان و دانشجویی) فضای جامعه را دگرگون سازند.

سقوط دیکتاتوری پهلوی اول منجر به باز شدن درب زندان‌ها و آزادی اکثریت زندانیان سیاسی گردید. این درست در زمانی بود که ستون پنجم فاشیسم هیتلری در ایران فعال بود و در همان زمان متفقین سعی داشتند تا با استفاده از راه آهن سراسری ایران، محصولات کشاورزی و کالاهای تولید شده در کارخانه‌های کشور را به جبهه‌های جنگ در اتحاد شوروی برسانند. در چنین فضائی "کمینترن" (مخفف نام بین‌المللی کمونیست) و حزب کمونیست اتحاد شوروی به این نتیجه رسیدند که زمان آن فرارسیده تا با ایجاد یک تشکیلات ائتلافی (جبهه‌ای از عناصر سیاسی) به مبارزه اساسی علیه بقایای فاشیسم در ایران دست زنند. تشکیلات مورد نظر در عین حال باید فعالیت سیاسی سازمان یافته‌ای را نیز علیه نیروهای افراطی راست‌گرا (وابسته به دربار سلطنتی و فنودال‌های بزرگ) به پیش می‌برد. این سازمان سیاسی ائتلافی از نیروهای ضد فاشیست و طرفدار مبارزه مسالمت آمیز بود که از منافع دولت‌های متفق دفاع می‌کرد و پس از پیروزی این دول برنامه‌های کمینترن را در ایران به اجرا در می‌آورد.

حزب توده فرزندِ ضرورت حاصل از این دلایل بود. دلایلی که از موقعیت منطقه خاورمیانه (و به ویژه ایران) و شرایط بین‌المللی ناشی می‌شد. و مهم‌تر از همه خواست دولت شوروی و کمینترن بود. در ۱۵ مهر [میزان] ۱۳۲۰ خ. تعداد نزدیک به ۴۰ نفر از فعالان و زندانیان سیاسی سابق در خانه "سلیمان میرزا اسکندری" در تهران گرد آمدند تا به این ضرورت پاسخ دهند. آن‌ها پس از ۱۳ ساعت بحث و مذاکره سرانجام در ۱۷ مهر [میزان] ۱۳۲۰ خ. اقدام به تأسیس "حزب توده ایران" نمودند.

در بین این جمع سلیمان میرزا اسکندری (۱۳۲۲-۱۲۵۵ خ.) مسن‌ترین آن‌ها و از فعالان سیاسی قدیمی ایران بود. سابقه فعالیت او به انقلاب مشروطیت ایران بر می‌گشت. وی از نوادگان "عباس میرزا نایب‌السلطنه" ولیعهد ناکام فتحعلی شاه قاجار بود. سلیمان میرزا و برادرش "یحیی میرزا" (پدر ایرج اسکندری) از فعالان شناخته شده مشروطه‌خواه بودند. گرایش‌های ضد انگلیسی او باعث شد تا در دوران جنگ جهانی اول توسط نیروهای نظامی بریتانیایی در کشور دستگیر و زندانی شود. او در سه دوره مجلس شورای ملی به عنوان نماینده از سوی شهرهای اصفهان و تهران شرکت کرد: دوره دوم مجلس از سوی مردم تهران و از طرف "حزب دموکرات ایران"، دوره سوم مجلس از سوی مردم اصفهان و از طرف "حزب دموکرات ایران" و دوره چهارم مجلس از سوی مردم تهران و از طرف "حزب سوسیالیست ایران".

سلیمان میرزا اسکندری از جمله بنیان‌گذاران حزب سوسیالیست در سال ۱۳۰۰ خ. بود. این حزب تا افتتاح مجلس چهارم به صورت مخفی فعالیت داشت و پس از افتتاح این دوره پارلمانی علنی گردید. حزب مزبور مرامنامه‌ای چپ و سوسیالیستی داشت که از جامعه جهانی تحلیل طبقاتی می‌نمود و خواستار ایجاد "رژیم سوسیالیست" بود. رژیم که وظیفه «تبدیل مستملکات خصوصی به تملکات عمومی و تشکیل وسایل اقتصادی اجتماعی برای رفاهیت عمومی الغای مالکیت طبقاتی و خاتمه دادن به انتفاع شخصی و . . .» را بر عهده داشت. اما در عمل این حزب یک سازمان پارلمانی و اصلاح‌طلب بود که نماینده به مجلس می‌فرستاد و افکارش را با چند نشریه از جمله طوفان، شفق سرخ و . . . تبلیغ و ترویج می‌نمود. حزب سوسیالیست مجموعه‌ای از عناصر چپ اصلاح طلب و میانه رو بود که برخی از آن‌ها اصلاً اعتقادات سوسیالیستی نداشتند و بعداً راه خود را کاملاً از آن تشکیلات جدا ساختند: کسانی چون "رشید یاسمی" (مترجم معروف)، "عبدالحسین هژیر" (نخست‌وزیر و وزیر دربار دوران محمد رضاشاه)، "علی دشتی" (نماینده مجلس در دوران رضاشاه)، "نصراالله فلسفی" و . . . از آن جمله بودند.

در نشریه "ستاره سرخ" ارگان کمیته مرکزی "حزب کمونیست ایران" درباره این حزب چنین آمده است: «این حزب به هیچ وجه جنبه سوسیالیستی نداشته و اعضای آن را بیشتر طبقات کسبه و دموکرات‌های قدیم تشکیل می‌دادند که بعضی اوقات مخصوصاً به هنگام انتخابات سعی داشتند به مجامع کارگری راه پیدا کرده شعار تشکیل اتحادیه را پیش بکشند. اما حتا یک قدم جدی برای تشکیل اتحادیه و منافع کارگران بر نداشتند»<sup>۱</sup>. از دوره مجلس پنجم حزب سوسیالیست و

<sup>۱</sup> ستاره سرخ - به کوشش حمید احمدی-چاپ اول-سویدن-نشر باران-۱۹۹۳-صفحه ۳۸۲  
لازم به توضیح است که حزب کمونیست ایران در تیرماه [سرطان] ۱۲۹۹ خ. در شهر انزلی تشکیل شد و اولین کنگره آن نیز در همین زمان و در همین شهر برپا گردید. این حزب عملاً تا سال ۱۳۱۷ فعالیت کرد و بسیاری از کادرهایش توسط رژیم رضاشاهی یا از بین رفتند و یا تا شهریور [سنبله] ۱۳۲۰ خ. در زندان‌های این رژیم به اسارت در آمدند. برای اطلاع بیشتر در مورد این حزب مراجعه کنید به:

- اولین ستاره سرخ شرق - زندگی و مبارزات آواتیس میکانیان سلطان زاده - کمیته مطالعات تاریخی جنبش کارگری و کمونیستی ایران - انتشارات پروسه
- اسناد تاریخی جنبش کارگری سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران- خسرو - انتشارات علم-جلدهای اول، سوم، چهارم، ششم

شخص سلیمان میرزا وارد اتحاد سیاسی با رضاخان سردار سپه گردید. این ائتلاف از آن جهت بود که سلیمان میرزا و همفکرانش، رضاخان را عنصری مترقی می‌پنداشتند. این تفکر علاوه بر حزب سلیمان میرزا بر جناحی از حزب کمونیست ایران نیز حاکم شده بود. سلیمان میرزا در کابینه رضاخان (آبان [عقرب] ۱۳۰۲ خ.) به عنوان وزیر معارف منصوب گردید و اصلاحاتی در زمینه آموزش و پرورش انجام داد. اما در جریان تغییر سلطنت از قاجاریه به رضاخان، حزب سوسیالیست و سلیمان میرزا مخالفت خود را با تأسیس یک رژیم سلطنتی دیگر ابراز داشتند. او و حزب مطبوعش که اکنون پی برده بودند هدف رضاخان تأسیس رژیم جمهوری نیست و قصد برپائی یک سلطنت موروثی را دارد، سعی کردند تا در برابر شاه جدید بایستند اما عملاً کاری از پیش نبردند. سلیمان میرزا از این تاریخ مغضوب دیکتاتور پهلوی شده و عملاً خانه‌نشین گردید. تنها اقدام عملی حزب سوسیالیست پس از استقرار رژیم رضاشاه، ائتلاف با حزب کمونیست ایران و اتحادیه‌های کارگری بود. اما ائتلاف چندی نپائید: در جریان برگزاری مراسم مشترک اول ماه مه (روز جهانی کارگر) ۱۱ اردیبهشت [ثور] ۱۳۰۵ خ. پیش از آن که پولیس به جشن کارگران و چپ‌ها حمله کند سلیمان میرزا متوجه موضوع شده و بدون اطلاع حاضرین جلسه را ترک کرد و گریخت. پس از آن در اثر حمله پولیس مراسم به هم خورد و تعداد زیادی از کمونیست‌ها و کارگران دستگیر شدند.<sup>۲</sup> و به این ترتیب اعتماد کارگران و اتحادیه‌های کارگری از او و حزبش به طور کامل سلب شد.

سلیمان میرزا هرگز عنصری انقلابی و کمونیست نبود. او به عنوان یک اصلاح‌طلب چپ، نماینده مترقی پارلمان و سخنران برجسته شناخته می‌شود. وی از نظر جهان‌بینی شخصیتی کاملاً مذهبی داشت. روح الله موسوی خمینی در خاطراتش از سفر حجی یاد می‌کند که سلیمان میرزا نیز از جمله حجاج مکه بوده است!

سلیمان میرزا در مورد دین اسلام و تطبیق آن با سوسیالیسم چنین باور داشت: «... کدام سوسیالیسم از سوسیالیسم مذهب اسلام بهتر است. مذهب مقدس اسلام هم سوسیالیست است. مطابق مذهب اسلام بچه شانزده ساله هم باید رأی بدهد. . . خیلی تعجب است که در مجلس اسم سوسیالیست برده می‌شود هیاهو و اسباب وحشت می‌شود. سوسیالیست یعنی اجتماعی. اگر ما اجتماعی نیستیم پس این جا چه می‌کنیم؟ ایشان کمونیست نفرمودند که آقایان اشتراکی تعبیر فرمودند. . .»<sup>۳</sup>. یا در جریان تبعید ملایان شیعه از عراق به ایران ضمن دفاع از روحانیت شیعه و اظهار تنفر از عملکرد رژیم حاکم بر عراق عرب چنین می‌گوید: «... تمام افراد مملکت کاملاً ملتفت باشند که اظهار تنفر در موقع توهین به یکی از مقامات مقدسه اسلامی یا یکی از علمای اسلامی مقدم بر همه چیز است. . .»<sup>۴</sup>

گرایش مذهبی و روحیه و دیدگاه‌های سلیمان میرزا در بدو تأسیس حزب توده به چشم می‌خورد به همین دلیل است که به خواسته وی جمله «کن للظالم خصماً و کن للمظلوماً عوناً» از علی بن ابیطالب شعار و سرلوحه حزب توده قرار می‌گیرد. حرکات، سیاست‌گذاری‌ها و منش حزب توده در طول ۷۰ سال فعالیت عملاً با مشی و روش سلیمان میرزا تداعی می‌گردد. حزب با وجود آن که دوره‌های متفاوتی از فعالیت را پشت سر می‌گذارد اما همه جا و در همه مقاطع تاریخی مدارا گرا با مذهب اسلام شیعی، معتقد به پارلماناریسم و همنشینی با حکومتگران قرار می‌گیرد. در همه این

• پیدایش حزب کمونیست ایران-تقی شاهین-نشر گونش-۱۳۵۸  
• فرقه عدالت از جنوب قفقاز تا شمال خراسان (۱۹۱۷-۱۹۲۰)-محمد حسین خسرو پناه، الیور باست-نشر پردیس دانش-چاپ دوم ۱۳۹۲

• دو بینش در حزب کمونیست ایران- انتشارات هواداران سازمان وحدت کمونیستی در اروپا-مرداد ۱۳۶۲

<sup>۲</sup> خاطرات دوران سپری شده -نوشته یوسف افتخاری-به کوشش کاوه بیات و مجید نفرشی- انتشارات فردوس-چاپ اول-۱۳۷۰- صفحه ۱۴۶

<sup>۳</sup> مذاکرات دوره چهارم مجلس شورای ملی-جلسه ۹۸-مورخ ۳۰ فروردین ۱۳۰۱ خ.

<sup>۴</sup> مذاکرات دوره چهارم مجلس شورای ملی-جلسه ۶۰-مورخ ۲ بهمن ۱۳۰۰ خ.

مقاطع در پی وضع قوانین رفرمیستی و حمله به جریانات انقلابی و پرولتری است و هرگز رویکردی ضد سرمایه‌داری ندارد. ما در صفحات بعدی خواهیم دید که حزب توده دقیقاً ادامه دهنده راستین مشی حزب سوسیالیست سلیمان میرزا اسکندری است.

از میان کمونیست‌های قدیمی (که دسته اول تشکیل دهندگان حزب بودند) تنها می‌توان به "جعفر پیشه‌وری"، "ابوالقاسم اسدی" و "رضا روستا" اشاره کرد. از میان این سه نفر، پیشه‌وری چندی بعد حزب را ترک کرده اقدام به تأسیس و انتشار نشریه "آزیر" نمود. و به جای او "اردشیر آوانسیان" (از اعضای حزب کمونیست در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰ خ.) بعد از تأسیس حزب توده به آن پیوست. آوانسیان مدت نزدیک به ۱۰ سال را در زندان‌های رضاشاهی سپری کرده بود. با این حساب کمونیست‌های دهه ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ خورشیدی تعداد انگشت شماری از اعضای هیأت مؤسس حزب را تشکیل می‌دادند.<sup>۵</sup>

گروه دوم از مؤسسين حزب، اعضای پیشین گروه ۵۳ نفر بودند. تعداد این افراد در ساختار هیأت مؤسس ۲۷ نفر بود. آن‌ها را می‌توان چپ‌گرایان جوانی دانست که از نظر طبقاتی یا به طبقه متوسط شهری و یا به خانواده‌های اشرافی (۲ نفر از آن‌ها) تعلق داشتند. هیچ‌کدام سابقه فعالیت در جنبش کارگری را نداشتند و عمدتاً از فعالان دانشجویی داخل یا خارج از کشور بودند. اکثر افراد این گروه از نظر دانش تئوریک و مارکسیستی تحت تأثیر و دانش آموخته "دکتر تقی ارانی" محسوب می‌شدند (غیر از رضا رادمنش و ایرج اسکندری). مطالعات آن‌ها به آثار بوخارین، ستالین و بعضاً لنین محدود می‌شد، آثار مارکس را یا نخوانده و یا به صورت بسیار محدود مطالعه کرده بودند. بخشی از اعضای گروه مزبور پس از دستگیری به مخالفت با دکتر تقی ارانی پرداخته و او را در زندان بایکوت نموده بودند. از میان این گروه تنها ۵ نفر سابقه فعالیت در حزب کمونیست ایران را داشتند. اکثریت هیأت مؤسس حزب از این طیف بودند.<sup>۶</sup>

گروه یا دسته سوم از هیأت مؤسس حزب، فعالان سیاسی ضد فاشیست بودند. برخی از این عناصر تمایلات انگلوفیل (طرفدار خط دولت انگلستان) را داشتند. از این گروه می‌توان به شخصیت‌هایی چون "عباس اسکندری"، "محمد یزدی"، "مصطفی فاتح" و "عبدالقدیر آزاد" و "اسماعیل امیر خیزی" اشاره کرد. این گروه بعدها به توده‌نفتی معروف گردیدند.

ادامه دارد

<sup>۵</sup> از جمله کمونیست‌های فعال بین ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ می‌توان به یوسف افتخاری، رحیم همداد، داداش تقی زاده، باقر امامی و... اشاره کرد که هر کدام جدا از حزب توده در تشکلهای و دیگر احزاب فعالیت خود را (پس از شهریور ۱۳۲۰ خ.) پی‌گیری کردند. در بین آن‌ها برخی حتا به منتقدین حزب تازه تأسیس توده تبدیل گردیدند.

<sup>۶</sup> در مورد پایگاه طبقاتی گروه ۵۳ نفر می‌توانید:

- به جدول شماره ۳ از کتاب «ایران بین دو انقلاب» نوشته پروانده آبراهامیان-ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری، محسن مدیرشانه‌چی-نشر مرکز-صفحات ۱۴۴ و ۱۴۵ مراجعه نمایید.